

تأیید صحت حکایت برخی از دانشمندان دیگر که در تحقیق امور دقت بیشتری دارند معتقدند که بر فرض آنکه موضوع حکایت منتسب به ابوالاسود دثلی سابقه ای در هند یا یونان داشته غیر ممکن است که در زمان حضرت علی بن ابیطالب ۴ که هنوز مسلمین ارتباطی با هندو یونان نداشته اند این موضوع در عربستان منتشر شده و ابوالاسود از این شایعه استفاده کرده باشد بعلاوه همانطوریکه در اختراعات مشاهده میشود، در مسائل نامعلوم بقتلاً در يك عصر و زمان مقدمات اکتشاف بدون ارتباط بایکدیگر در ممالک مختلفه شروع میشود و همین طور در افکار در يك عصر و زمان اتفاق می افتد که بدون ارتباط متفکرین بایکدیگر فکر جدیدی در نقاط مختلفه زمین پیدا میشود و همچنین دو نفر ممکنست در آن واحد بدون تبهانی باهم يك طور فکر کنند که آنرا قوارد مینامند اشکالی ندارد که بر فرض بودن سابقه تقسیم کلمه در یونان و هند در عرب هم این تقسیم بیسابقه بوسیله ابوالاسود صورت وقوع یافته باشد.

مضافاً باینکه هیچ شك و شبه نیست که در زمان حضرت علی بن ابیطالب (۴) علم نحو در عرب سابقه نداشته و شکی نیست که آن حضرت (با در نظر گرفتن وضعیت محیط آن عصر) تحصیلاتی در هند یا یونان نگرده بود معذالک در فصاحت و بلاغت مافندی نداشته و برای اثبات این مطلب مختصر مراجعه بخطب و اشعار منسوبه به آن جناب (صرف نظر از سایر مکارم و معانی) تردیدی باقی نمی ماند که در فصاحت و بلاغت در عصر خود در عرب هموردی نداشته کسیکه میگوید (انزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر) و با بیان يك شعر چندین قرن قبل از کشف باکتری و میکروب انسان را متوجه باین نکته میسازد که خود بشخصه عالم کبیری است چه اشکالی دارد که تقسیم کلمه را در نحو و باو اجد بودن نهایت بلاغت و فصاحت در زبان خود به ابوالاسود دثلی فهمانده باشد.

نتیجه از بهر صورت خواه موضوع تقسیم علم نحو باسم و فعل و حرف در ممالک دیگر سابقه داشته یا نداشته در زمان حضرت علی ۴ این تقسیم در عربستان مقدمه صورت گرفته و پایه و بنیان ساختمان علم نحو در عرب گردیده و پس از آن سایر دانشمندان ایران و عرب عصر بعصر و زمان بزمان در تکمیل آن

کوشیده اند که در زمان حاضر اگر بخواهیم کلیه کتبی را که دانشمندان ایرانی و عرب و غیره هم در نحو نوشته اند و حاشیه ها و ملاحظاتی که برای هر يك از این تألیفات مؤلفین بعدی نگاشته و پس از آنهم دیگران حاشیه بر حاشیه و شرح بر شرح نوشته اند جمع آوری نمائیم عملی مشکل و غیر مقدور خواهد بود و اگر فردی بخواهد اجمالاً یکمرتبه تمام تألیفات و تصنیفات نوشته شده در همین يك علم بخصوص را بخواند عمرش کفایت نخواهد داد .

همین طور است حالت تألیفات و تصنیفات که در سایر شعب علوم عربیه از طرف مؤلفین و مصنفین ایرانی و عرب و غیرهم نوشته شده که اگر بخواهیم تنها اسامی مؤلفین و نام کتبی که نوشته شده بطور فهرست ذکر کنیم : اولاً جمع آوری کلیه کتب مذکوره که بواسطه حدوث اختلافات تاریخی غالباً از بین رفته غیر ممکن و بجهت اینکه تا دیر زمانی صنعت چاپ کشف و تکمیل نشده بود و کتب مؤلفه بآدمت نوشته میشد و غالباً منحصر بفرهنگ بود و یا از بین رفتن مؤلف از بین میرفت محال میباشد .

ثانیاً - اگر بتوانیم کتب موجوده در این علوم را از نقاط مختلفه عالم جمع آوری کنیم تنها برای نوشتن فهرست آنها شاید عمر بشر کافی نباشد . ثالثاً - چون تمام این کتب در اصول اتحاد جهت دارد و در فروع شروع و تفصیلاتی هر کس بنظر خود قائل شده مراجعه به تمام این کتب جز تمام شدن عمر انسان معمولی نتیجه نمی خواهد داشت لذا بدیهی است برای ما ایرانیان که باید بمناسبت اختلاف لغاتمان بالغات عربی تا حد لزوم از علوم عربیه آگاه شویم انصب و اصلاح اینست که خلاصه و جان کلام را از مجموع این کتب گرفته و با اسلوب سهل و ساده و مختصر و موجز علوم مزبوره را مطالعه کنیم و بنا بمناسبت کلماتیترک کله مالا یترک جمله اگر بتفصیل نمی توانیم علوم عربیه را مطالعه کنیم چه زبانی دارد که خلاصه و مختصر آنرا بخوانیم و البته برای اینکه از این راه نتیجه مطلوبه برسیم بهتر اینست که راجع بهر قسم از اقسام علوم عربیه با مراجعه بکتب مؤلفین جدید صرف نظر از شروع مغل و ممل خلاصه و موجزی را انتخاب و درمقد نظر خوانندگان گرامی بگذاریم .